

مقایسه تاثیر آموزش پیشگیری از ایدز توسط گروه همسالان و بزرگسالان بر آگاهی، نگرش و خودبسندهی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، منطقه ۴ آموزش و پرورش شهر تهران با استفاده از مدل تئوری شناختی - اجتماعی، سال ۸۲-۱۳۸۱

فریده خلج آبادی فراهانی (M.Sc.)^۱، فرید عبادی‌فرآذر (Ph.D.)^۲.

۱- محقق، مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور، تهران، ایران.

۲- استادیار، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، تهران، ایران.

چکیده

مقدمه: ایران از جمله کشورهای خاورمیانه است که با بحران ایدز مواجه می‌باشد. حدود ۱۷٪ موارد ایدز در بین نوجوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله و حدود ۳۵٪ در بین جوانان ۳۰ تا ۳۹ ساله اتفاق می‌افتد. با توجه به دوره کمون طولانی (حدود ۱۰ سال)، بدیهی است که درصد بسیاری از موارد ابتلاء به عفونت ایدز در زمان نوجوانی و جوانی روی می‌دهد. شروع برنامه‌های آموزش پیشگیری از ایدز در مدارس در بین نوجوانان از برنامه‌های مهم وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در کشور ایران می‌باشد و مطالعه و شناخت موثرترین روش آموزشی در جهت ارتقاء آگاهی و بهبود نگرش و ارتقاء مهارت‌های زندگی در نوجوانان و رفتارهای پیشگیری از ایدز اولویت می‌یابد. این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر دو نوع مداخله آموزشی پیشگیری از ایدز توسط گروه همسالان و گروه بزرگسالان (مشاورین مدرسه) بر آگاهی، نگرش و خودبسندهی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، پایه دوم رشته انسانی، منطقه ۴ آموزش و پرورش تهران در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ و به کارگیری نتایج تحقیق در طراحی برنامه‌های آموزش موثر پیشگیری از ایدز در مدارس انجام گرفت.

مواد و روشها: مدل آموزشی استفاده شده در این بررسی مدل تئوری شناختی- اجتماعی بندورا می‌باشد. با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تعداد ۴۴۱ دانش‌آموز از ۷ دبیرستان منطقه ۴ وارد مطالعه شدند و براساس فرد آموزش دهنده به دو گروه آموزش توسط همسالان و آموزش توسط بزرگسالان (مشاورین مدرسه) و یک گروه کنترل تقسیم شدند. مطالب آموزشی شامل پیشگیری از ایدز، نگرش‌های صحیح مرتبط با آسیب پذیری نسبت به ایدز و عدم طرد بیماران مبتلا به ایدز و مهارت‌های خودبسندهی (تصمیم‌گیری، حل مشکل و ابراز وجود) بود. پرسشنامه بدون نام پیش از مداخله و یک ماه پس از مداخله توسط دانش‌آموزان پاسخ داده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم افزار SPSS-11 و مدل آنالیز واریانس، آزمون شفه و χ^2 مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج: میانگین نمره آگاهی در هر دو گروه مداخله، از پیش آزمون به پس آزمون در مقایسه با گروه کنترل به طور معنی‌داری افزایش یافت ($P < 0/001$)؛ ولی هیچ اختلاف معنی‌داری بین دو گروه مداخله همسالان و بزرگسالان دیده نشد. علیرغم یکسان بودن دو گروه مداخله از نظر ارتقاء آگاهی در پس آزمون، نوع اطلاعات در دو گروه به طور معنی‌داری متفاوت بود. با توجه به یکسان بودن مدل آموزشی در دو گروه به نظر می‌رسد گروه همسالان بیشتر بر اساس نیازهای اطلاعاتی همسالان (مثل نحوه انتقال) اطلاعات را منتقل کرده بودند. در حالی که گروه بزرگسالان، اطلاعات دیگری (مثل نحوه درمان و واکسیناسیون) را بیشتر منتقل کرده بودند. در هیچ یک از دو گروه مداخله، تغییر معنی‌داری در نگرش آسیب‌پذیری نسبت به بیماری ایدز از پیش آزمون به پس آزمون مشاهده نشد؛ اما نگرش دانش‌آموزان نسبت به طرد بیماران مبتلا به ایدز در هر دو گروه مداخله همسالان و بزرگسالان از پیش آزمون تا پس آزمون به طور معنی‌داری نسبت به گروه کنترل بهبود یافت ($P < 0/001$). در حالیکه دو گروه مداخله در بهبود نگرش فوق از پیش آزمون به پس آزمون اختلاف معنی‌داری ندارند. همچنین تنها گروه بزرگسالان در مقایسه با کنترل باعث ارتقاء معنی‌داری در مهارت خودبسندهی در دانش‌آموزان گردیده است. درحالی‌که در مقایسه دو به دو، گروه مشاورین مدرسه و گروه همسالان در بهبود نگرش فوق از پیش آزمون به پس آزمون اختلاف معنی‌داری ندارند.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌شود هر دو گروه همسالان و بزرگسالان برای برنامه‌های مداخله آموزشی در برنامه‌های آموزشی ایدز به کار گرفته شوند؛ به طوری‌که گروه همسالان در ارائه اطلاعات مورد نیاز گروه هدف و گروه بزرگسالان در ارائه مهارت‌های خودبسندهی کارآیی بیشتری دارند. هرچند مطالعات بیشتری با حجم نمونه بیشتر و مدت آموزشی طولانی‌تر جهت تأیید نتایج فوق توصیه می‌گردد.

کل واژگان: ایدز، پیشگیری، آگاهی، آموزش، نگرش، خودبسندهی، گروه همسالان، مدل تئوری شناختی- اجتماعی، نوجوانان، و تهران.
آدرس مکاتبه: فریده خلج‌آبادی فراهانی، مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور، پلاک ۲۶، کوچه یکم، خیابان کوه نور، خیابان شهید استاد مطهری، تهران، ایران.

پست الکترونیک: faridehfarahani@yahoo.com